

Goals and Principles of the Islamic Economic System from the Perspective of Ayatollah Khamenei

Seyed Hossein Mirmoezi *

Faculty Member and Associate Professor, Department of Islamic Economics, Research Center for Islamic Systems Studies, Islamic Culture and Thought Research Institute

Hamid Shokhmgar

Professor at Qom Seminary and Researcher in Islamic Economics Fiqh

Abstract

Analyzing Ayatollah Khamenei's economic thought is crucial, given his experience and status as an Islamic thinker. Despite this, his theories have received limited academic attention due to the absence of a systematic, written compilation. This paper employs thematic analysis to elucidate the core goals and principles of the Islamic economic system as articulated by the Leader. Through an analysis of Ayatollah Khamenei's statements spanning 1973 to 2024, it becomes evident that he conceptualizes the goals of the Islamic economic system as a hierarchical structure. The ultimate goal, as He articulates, is economic justice, supported by intermediate objectives encompassing economic progress, power, growth, welfare, independence, and security. Correspondingly, the system's foundational principles are delineated into two distinct categories: structural and behavioral. Structural principles are characterized by elements such as religious democracy, a government committed to public service, economic freedom, ownership rights, a defined transactional valuation process, and the principle of labor as the basis of income. Behavioral principles are defined by *Insāf* (justice), positive competition, *Itqān* (perfection) in work, exercising moderation and avoiding *Isrāf* (waste due to wanton consumption and production), and *Infāq* (spending, disbursement). This study seeks to provide a clearer framework for understanding Ayatollah Khamenei's economic perspectives.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Islam, economic system, hierarchical structure.

* Email: h.mirmoezi@gmail.com (Corresponding Author)

اهداف و اصول نظام اقتصادی اسلام از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| سید حسین میرمعزی^{۱*} |

| حمید شخم‌گر^۲ |

چکیده

تبیین اندیشه‌های اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اندیشمندی اسلامی که در عرصه اجرا نیز از سابقه طولانی برخوردار است، دارای اهمیت خاصی می‌باشد. اما عدم تبیین این اندیشه‌ها در قالب منظومه‌ای مکتوب، سبب شده در عرصه‌های علمی کمتر به نظریات ایشان توجه شود. این نوشته سعی دارد با استفاده از روش تحلیل مضمون به بیان اهداف و اصول نظام اقتصادی اسلام که به‌نحوی پایه و اساس اقتصاد اسلامی است، پردازد. بعد از تبیینی که در بیانات ایشان از ۱۳۵۲ تا سال ۱۴۰۳ انجام گرفت، به‌نظر می‌رسد از منظر ایشان اهداف نظام اقتصادی اسلام در دو بخش هدف غایی و اهداف میانی قابل تنظیم می‌باشد. از نظر ایشان هدف غایی نظام اقتصادی اسلام عدالت اقتصادی و اهداف میانی شامل پیشرفت اقتصادی، قدرت اقتصادی، رشد، رفاه، استقلال و امنیت اقتصادی است. از طرفی از منظر معظم‌له، اصول نظام اقتصادی اسلام که به نوعی پایه و اساس نظام اقتصادی شمرده می‌شوند، در دو بخش اصول ساختاری و اصول رفتاری قابل تنظیم می‌باشد. از نظر ایشان اصول ساختاری شامل: مردم‌سالاری دینی، دولت خدمت‌گزار، آزادی اقتصادی، مالکیت، چگونگی تعیین ارزش معاملی اشیاء و اصل کار منشأ درآمد است. اصول رفتاری نیز متشکل از پنج اصل: انصاف، رقابت مثبت، اتقان عمل، اعتدال و عدم اسراف و انفاق مال می‌باشد. امید است نتایج به‌دست آمده این پژوهش قدمی مثبت در فراگیری اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای باشد.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، اهداف نظام اقتصادی، اصول نظام اقتصادی.

۱. عضو هیأت علمی و دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

*Email: h.mirmoezi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته رشته فقه اقتصادی، مرکز جامع ولی‌عصر (عج)

*Email: hamidbagheri2356@gmail.com

مقدمه

آیت‌الله خامنه‌ای در طول حیات با برکت خود به‌ویژه پس از انقلاب، بیانات و رهنمودهای فراوانی در زمینه امور اقتصادی کشور داشته‌اند. بی‌تردید این بیانات از سویی مبتنی بر فهم اجتهادی عمیق و گسترده ایشان از اسلام و از سوی دیگر براساس تجربه ایشان در طول سال‌های پس از انقلاب به‌ویژه پس از تصدی هشت سال مقام ریاست جمهوری و بیش از سی و چهار سال تصدی رهبری در کشور بوده است. افزون بر این، ایشان در طول این سال‌ها با دغدغه حل مسائل و مشکلات اقتصادی کشور در عرصه دانش اقتصاد اسلامی در سطح کلان و متناسب با جایگاه رهبری به تولید فکر و نظریه پرداخته است. نظریه راهبردی و راهگشای اقتصاد مقاومتی به‌عنوان الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام و برآمده از آموزه‌های اسلامی و انقلابی در همین زمینه از سوی ایشان ارائه شده است.

با مروری بر اندیشه‌های اقتصادی ایشان می‌توان گفت این اندیشه‌ها نظام‌مند، منطقی و مبتنی بر مبانی و اصول و آموزه‌های اسلامی است. البته ایشان همچون یک نظریه‌پرداز، محقق و مؤلف درصدد بیان منظومه فکری خود در اقتصاد نبوده است؛ ولی می‌توان با استفاده از روش‌های مختلف از جمله روش تحلیل مضمون این منظومه فکری را اصطیاد کرد. سپس مجموعه اندیشه‌های اقتصادی ایشان را در ساختاری منطقی، نظام‌مند و سازگار با ساختار منطقی دانش اقتصاد اسلامی ساماندهی کرد.

با توجه به نقش و جایگاه آیت‌الله خامنه‌ای در جهان اسلام و تأثیر بی‌بدیل ایشان در رهبری جهان اسلام و جبهه مقاومت و ایجاد تمدن نوین اسلامی از یک‌سو، و عمق، گستره، نظام‌وارگی، روزآمدی و کارآمدی اندیشه‌های اقتصادی ایشان از سوی دیگر، بی‌تردید منظومه اندیشه‌های اقتصادی ایشان نقشه راه و نسخه شفابخش اقتصاد جهان اسلام و بلکه جهان بشریت خواهد شد و جهان را از اندیشه‌های غلط و منحط مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیستی و غیرالهی نجات بخشیده و زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی را در سراسر جهان فراهم آورده و از این طریق به تحقق زمینه‌های ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود (عج) کمک می‌کند. ازاین‌رو، کشف و تبیین منظومه اندیشه‌های اقتصادی ایشان و ارائه آن برای جهان اسلام ضرورتی دوچندان دارد و تحقیق حاضر به‌دنبال دستیابی به این مهم است.

در این مقاله سعی شده به توضیح اهداف و اصول نظام اقتصادی اسلام در یک منظومه به‌هم پیوسته از دیدگاه رهبری پرداخته و به نوعی عناصر ثابت در منظومه اندیشه‌های اقتصادی ایشان که البته تابع شرایط زمان و مکان نیست و تغییر نمی‌کند، تبیین شود. شایان ذکر است اصول نظام اقتصادی اسلام به‌دلیل تفاوت روشی که در تحقق آن‌ها باید به‌کار گرفته شود، به دو دسته ساختاری و رفتاری تقسیم شده‌اند. اصول ساختاری اصولی هستند که جنبه حقوقی دارند و ساختار نظام

اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مقصود از ساختار نظام اقتصادی شاکله کلان روابط اقتصادی بین اشخاص حقیقی و حقوقی (دولت، بنگاه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های اقتصادی) است. برای تحقق این دسته از اصول ساختارها و قوانین باید تغییر کنند. در مقابل اصول رفتاری اصولی هستند که زیربنای اخلاق اقتصادی هستند و رفتارها و روابط اقتصادی انسان‌ها را شکل و سامان می‌دهند. این دسته از اصول با فرهنگ‌سازی تحقق پیدا می‌کنند.

پیشینه

اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای فارغ از شخصیت حقوقی ایشان، به‌عنوان مجتهدی جامع‌الشرایط و اندیشمندی فرزانه همواره مورد توجه محققان و فضلا بوده و منظومه‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف فکری، پیرامون تفکرات و نظریات ایشان نگاشته شده است.

اما با اندک جست‌وجویی در آثار منتشر شده در زمینه اندیشه‌های ایشان، به‌خوبی مشاهده می‌شود، بیش از آنکه پیرامون اندیشه‌های اقتصادی ایشان مطلبی نگاشته شود، در سایر حوزه‌های اندیشه‌ای مانند عرصه‌های فرهنگی و سیاسی قلم‌فرسایی شده است.

نویسندگان آثار اقتصادی نیز بیش از آنکه به‌دنبال کشف منظومه افکار ایشان باشند، به موضوعات خاصی مانند «اقتصاد مقاومتی»، «توازن اقتصادی»، «جهاد اقتصادی»، «امنیت اقتصادی» و سایر موضوعات پرداخته‌اند. البته ناگفته پیداست تلاش نویسندگان محترم با توجه به اندیشه خاص آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه موضوعات مطرح‌شده قطعاً مغتنم و ارزشمند است. اما آنچه جای خالی آن در بین آثار موجود احساس می‌شود، وجود اثری در زمینه «اهداف و اصول اقتصادی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای» که به نوعی پایه و اساس نظام اقتصادی است، می‌باشد.

لازم است به تلاش‌هایی که در زمینه منظومه نگاری اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد اشاره و امتیاز اثر حاضر نسبت به آن‌ها مطرح شود. خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲) و جمعی از پژوهشگران در اثری که با عنوان «منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای» منتشر شده، سعی در بیان منظومه اندیشه‌های ایشان داشته‌اند. لکن در این کتاب به‌طور مستقل به اهداف نظام اقتصادی و اصول آن از نگاه معظم‌له پرداخته نشده است. مخبر دزفولی، محمدرضا (۱۳۹۳) نیز در کتاب «اندیشه‌های اقتصادی مقام معظم رهبری» در ضمن ۷ فصل سعی در بیان مجموعه‌ای از اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای داشته است. اما در این کتاب نیز فقدان نگاه منظومه‌ای به بیانات معظم‌له در زمینه اهداف و اصول اقتصادی قابل مشاهده می‌باشد.

موسویان، سیدعباس و غفورزاده، حسین (۱۴۰۲) در مقاله «اکتشاف و طراحی نظام اقتصادی اسلام با تأکید ویژه بر دیدگاه مقام معظم رهبری در نظام‌سازی اسلامی» سعی در بیان شیوه

نظام‌سازی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای داشته‌اند و در ضمن بیان عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام، اشاره‌ای کوتاه به اهداف اقتصادی اسلام از منظر ایشان کرده‌اند. غفاری، مجتبی (۱۳۹۸) در مقاله «کارکردهای مبانی هستی‌شناسی تعیین اهداف پیشرفت اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی» به بیان تأثیر مبانی هستی‌شناسانه در تعیین ساختار و تبیین اهداف نظام اقتصادی و همچنین به بیان اهداف نظام اقتصادی پرداخته است. اصغری، محمود (۱۳۹۴) سعی در توضیح اقتصاد مقاومتی، چرایی، مؤلفه‌ها، اهداف و راهبردها در کلام آیت‌الله خامنه‌ای داشته است. مرتضی‌رخیده دخت و همکاران (۱۴۰۱) به تحلیل اهداف اقتصادی در اندیشه معظم‌له با تأکید بر مفاهیم قرآنی پرداخته است. صادقی نیارکی، مهدی (۱۳۹۸) نیز سعی در جمع‌آوری بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه بخش خصوصی داشته و به برخی اهداف از دیدگاه رهبری پرداخته است.

امتیاز اثر حاضر نسبت به آثاری که بیان شد، جمع‌آوری کامل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در عرصه اهداف، اصول و تحلیل مضمونی این بیانات و دست‌یابی به منظومه‌ای از اندیشه‌های ایشان در این‌باره و همچنین نوآوری در پرداختن به اصول نظام اقتصادی در قالب اصول ساختاری و رفتاری از منظر معظم‌له است.

روش تحلیل مضمون

به‌منظور تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. به طور کلی تحلیل مضمون یک روش تحلیل داده است که داده‌های کیفی را تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی کرده و یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌نماید (Given, 2008: 867). از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های روش تحلیل مضمون می‌توان به مواردی مانند عدم وابستگی به وجود چارچوب نظری از قبل، کارکرد ویژه برای کم کردن حجم انبوه اطلاعات و طبقه‌بندی آن‌ها ذیل مضامین اصلی و کلیدی، قابل استفاده در چارچوب‌های نظری و امور مختلف، بررسی دقیق متون و داده‌ها و ایجاد درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، تحلیل اطلاعات از طریق بررسی نظام‌مند انواع داده‌های مرتبط همراه با توضیح مفصل جنبه‌های خاص داده‌ها یا توصیفی از مجموعه داده‌ها، مناسب برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در مجموعه داده‌ها و... اشاره نمود (Braun & Clarke, 2006: 77-101).

در روش تحلیل مضمون، ابتدا داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند. داده‌های مرتبط با این تحقق، مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۴۰۳، قابل دسترس در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی www.khamenei.ir و نرم‌افزار حدیث ولایت بوده است.

در روش تحلیل مضمون تعاریف و روش‌های مختلفی به‌منظور شناخت مضامین ذکر شده است. در این تحقیق مضامین از دو طریق شامل مضامین استقرایی (مبتنی بر داده) و مضامین قیاسی (مبتنی بر نظریه) بهره برده‌اند. در دیدگاه استقرایی، مضامین از محتوای داده‌ها شناسایی می‌شوند. در این تحقیق، اصل بر شناسایی مضامین از این طریق بوده است. در واقع سعی شده قالب و چارچوبی بر داده‌ها (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای) تحمیل نگردد. در دیدگاه قیاسی، فرایند توسعه مضامین به‌وسیله مفاهیم یا ایده‌های موجود تعیین می‌شود. در برخی موارد به‌منظور فهرست‌بندی کلی بیانات در قالب یک مجموعه منسجم از مضامین قیاسی بر اساس ادبیات نظام اقتصادی اسلام نیز بهره بردند. قابل توجه است در موضوعات و سرفصل‌های مختلف، جست‌وجو براساس کلمات مرتبط در منابع ذکر شده به‌صورت کامل انجام شده است. در واقع همه فیش‌های جست‌وجو شده در بیانات مطالعه و بررسی گردیده است.

رویکردها و دیدگاه‌های مختلفی در روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها وجود دارد (شیخ‌زاده، محمد و همکاران: ۱۶۲). در این تحقیق از دیدگاه شبکه مضامین استفاده شده است. در این دیدگاه، مضامین اولیه استخراج شده به‌عنوان مضامین پایه نام‌گذاری می‌شوند. مضامین پایه مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن هستند که با ترکیب آن‌ها مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود. مضامین سازمان‌دهنده مضامین به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه و واسط میان مضامین پایه و مضامین فراگیر شبکه هستند. مضامین فراگیر نیز مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌مثابه کل هستند که در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرند (شیخ‌زاده، محمد و همکاران: ۱۷۰). بین این سه نوع مضامین رابطه سلسله‌مراتبی وجود دارد و در واقع شبکه‌ای از مضامین ایجاد می‌گردد.

مراحل مذکور برای همه سرفصل‌های تحقیق انجام شده است. بعد از پایان مراحل برای هر سرفصل، نتایج روش تحلیل مضمون در جلسات گروه پژوهشی تحقیق ارائه، اصلاح و تکمیل شده است. در مرحله بعد، متن اصلی کتاب براساس خروجی روش تحلیل مضمون، تدوین شده است.

تحول نظام اسلامی در چارچوب ثبات

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، تعاریف مختلفی برای نظام اسلامی ارائه شده است. یکی از کوتاه‌ترین تعاریف در عین جامعیت این تعریف می‌باشد: نظام اسلامی، نظامی است که در ظاهر (قوانین) و باطن (اهداف و جهت‌گیری‌ها) اسلامی می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱). از دیدگاه ایشان بهترین شکل ادامه و بقای یک نظام اجتماعی آن است که در عین ثبات، تحول داشته باشد. یعنی چارچوب و هندسه آن ثابت باشد و تحولات در درون این چارچوب رخ دهد

(خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶). چارچوب تحولات نیز آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). برای مثال در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی در ابتدای انقلاب به مقتضای شرایط آن دوران، گستره منابع و نهادهای متعلق به بخش عمومی وسیع تعیین شده بود، ولی در همان قانون آمده است که اگر این تقسیم بین بخش خصوصی و عمومی با شکوفایی کشور منافات پیدا کرد، باید تجدیدنظر شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). ایشان در سخنانی دیگر متذکر این نکته شده‌اند که حفظ مبانی و اصول و هویت نظام اسلامی با دستیابی به اهدافی همچون پیشرفت مادی، علمی، تمدنی و استقرار عدالت کاملاً سازگار است و بلکه اگر از مبانی و اصول اسلامی دست برداریم، به این اهداف نخواهیم رسید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷).

ایشان در بخشی از بیانات خود، مبانی، اصول و آرمان‌ها را به‌عنوان ثابتات نظام اسلامی، معرفی کرده، اما به مصادیق آن‌ها نپرداخته‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). اما در پاره‌ای دیگر از بیانات‌شان، مصادیقی از ثابتات را تبیین نموده که در ادامه مقاله به‌صورت مفصل به تشریح برخی از آن‌ها از منظر معظّم‌له پرداخته خواهد شد.

اما از باب مقدمه لازم است اشاره شود که از مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان استفاده کرد که ثابتات نظام اسلامی چهار نوع است:

۱- مبانی هستی‌شناسانه که نوع نگاه به هستی را تبیین می‌کند و از آن به مبانی فلسفی و معرفتی بیانات ایشان تعبیر شده و مصادیقی همچون خداشناسی (توحید)، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، جامعه‌شناسی و دین‌شناسی دارد.

۲- آرمان‌ها و اهداف که باید‌های کلان برآمده از مبانی‌اند و جهات و مقاصد کلی حرکت نظام اسلامی را نشان می‌دهند، همچون تعالی و تکامل انسان، عدالت اجتماعی، استقلال و پیشرفت مادی.

۳- اصول که باید‌های برآمده از مبانی هستند و چارچوب‌های کلی حرکت به سمت آرمان‌ها و اهداف را بیان می‌کنند، همچون لزوم پایبندی به شریعت، اخوت، مردم‌سالاری دینی، دولت خدمت‌گذار.

۴- احکام فقهی و اخلاقی شریعت همچون وجوب اقامه نماز و پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر و حرمت اسراف و مطلوبیت انصاف و ایثار.

آنچه در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد، نتایج تحلیل مضمونی بیانات ایشان در باره اهداف و اصول نظام اقتصادی اسلام است.

اهداف نظام اقتصادی اسلام

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اهداف و آرمان‌ها به قدری از اهمیت برخوردار است که جا دارد انسان در راه حفظ آن‌ها جانش را فدا کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۳/۱۷). اساساً تشکیل حکومت اسلامی برای تحقق آرمان‌هاست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۹/۱۹) و جامعه اسلامی به آرمان‌هایش شناخته می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴). در نگاه ایشان، آرمان‌ها موجب ایجاد انگیزه و شوق در ملت‌هاست و معیار صحت حرکت ملت و حکومت می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۶/۲۸).

از دیدگاه ایشان آرمان‌های یک نظام، دارای این مشخصات است:

۱- مبتنی بر جهان‌بینی: آرمان‌ها براساس جهان‌بینی و مبانی معرفتی و فلسفی تعیین می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲) و این مبانی معرفتی است که تعیین می‌کند چه پیشرفتی مطلوب یا نامطلوب می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

۲- ثبات: اهداف و آرمان‌های اسلامی ثابت‌اند و تنها سرعت حرکت به سمت این اهداف تغییر می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۴/۱۳).

۳- فطری بودن: آرمان‌های نظام اسلامی ناشی از هوا و هوس نیستند، بلکه جوشیده از نیازهای فطری انسان است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

۴- ناظر به فرد و جامعه: ویژگی بعدی آرمان‌ها اسلامی ناظر به فرد انسان و جامعه انسانی بودن است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱/۳۱).

۵- جمع بین امور مادی و معنوی و سعادت دنیا و آخرت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۲/۱۸) از آنجاکه اهداف نظام اقتصادی اسلام بخشی از اهداف اسلامی می‌باشد، لازم است پیش از پرداختن به اهداف نظام اقتصادی اسلام، اهداف نظام اسلامی نیز بیان شود.

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آرمان‌های اسلامی یک منظومه به هم مرتبط و مشتمل بر اهداف غایی و میانی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۵/۶). معظم‌له تصریح می‌کنند که هدف غایی هر انسانی باید رسیدن به اوج مقام کرامت انسانی و نزدیکی به خدا و تخلق به اخلاق الهی باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱/۲۹) و همچنین هدف غایی نظام و حکومت اسلامی باید دستیابی همه انسان‌ها به تکامل، تعالی، و مقام قرب الهی و رضایت خداوند و سعادت دنیا و آخرت باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۰۱/۳۰).

اما دستیابی به این هدف کلان غایی از منظر ایشان متوقف بر سه هدف کلان میانی است که با یکدیگر رابطه طولی دارند. این اهداف عبارتند از «استقرار ولایت الهی در وجود انسان‌ها» می‌باشد که در راستای دستیابی به آن باید به دنبال «انسان‌سازی» بود و برای محقق شدن «انسان‌سازی» باید

«جامعه اسلامی» تشکیل داد و «تشکیل جامعه اسلامی» نیز متوقف بر تحقق «عدالت اجتماعی» است. بنابراین در ادامه به هر یک از این موارد به ترتیب پرداخته خواهد شد:

۱- **استقرار ولایت الهی در وجود فرد و جامعه:** آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که هدف همه انبیاء و اولیاء الهی استقرار ولایت الهی در بین انسان‌ها است. از دیدگاه ایشان استقرار ولایت الهی دارای دو قلمرو می‌باشد: یکی قلمرو نفس انسانی است که انسان بتواند اراده الهی را بر نفس خود حاکم کند و قلمرو دوم آن است که اراده الهی را بر محیط زندگی و حرکت جامعه حاکم نماید. ایشان به این نکته نیز اشاره دارند که تا انسان اراده الهی را بر نفس خویش حاکم نکند، نمی‌تواند در جهت حاکمیت اراده الهی بر زندگی مردم اقدام نماید و اولی مقدمه برای دومی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۰۳/۱۹).

۲- **انسان‌سازی و تشکیل جامعه اسلامی:** برای رسیدن به هدف غایی عبودیت از طریق حاکمیت ولایت الهی در دو قلمرو پیش‌گفته، باید انسان‌سازی کرد، یعنی انسان‌هایی را تربیت نمود که اراده الهی بر وجودشان حاکم است و برای انسان‌سازی باید جامعه اسلامی را با تمام ابعاد آن محقق ساخت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۴/۱۳). یعنی جامعه‌ای را محقق کرد که اراده الهی بر آن حاکم است.

۳- **عدالت اجتماعی:** از آنجا که در نگاه اندیشمند موردنظر تحقق جامعه آرمانی و حیات طیبه اسلامی بدون عدالت اجتماعی امکان‌پذیر نیست و از طرفی دیگر از بیانات ایشان استفاده می‌شود که عدالت اجتماعی هدف غایی همه نظامات اجتماعی اسلام و به‌ویژه نظام اقتصادی است و سایر اهداف اقتصادی، مقدمه دستیابی به عدالت اجتماعی هستند، در ادامه با تفصیل بیش‌تری به تبیین این هدف پرداخته می‌شود:

الف- مفهوم عدل و عدالت اجتماعی: تعاریف گوناگونی در باب عدالت از لسان ایشان صادر شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد. در بیانی می‌فرمایند عدالت به معنای این است که آنچه را خدای متعال در ذات هر موجودی قرار داده بشناسیم و قدر بدانیم و آن را پرورش دهیم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹). از دیدگاه ایشان، عدالت انسانی به دو قسم عدالت فردی و عدالت اجتماعی تقسیم می‌شود. عدالت انسان در قلمرو فردی همان است که از آن تعبیر به تقوا می‌گردد. عدالت اجتماعی به معنای عدالت در زمینه حکومت و فرمان‌روایی انسان می‌باشد. در هر انسانی عدالت شخصی، پشتوانه عدالت اجتماعی او است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶).

گفتنی است عدالت اجتماعی در نگاه ایشان همیشه به معنای برابری نیست، بلکه به معنای دادن حق هرکس به او می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). در بیانی دیگر عدالت اجتماعی را

به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام دانسته و به مصادیقی از آن اشاره می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

ایشان در مقام تعریف عدالت اجتماعی به‌عنوان وظیفه حکومت می‌فرمایند: نگاه دستگاه حکومت به آحاد مردم در مقابل قانون، امتیازات، برخوردها و بهره‌مندی از خیرات نظام باید یکسان باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۰۹/۰۵).

ناگفته نماند که از دیدگاه ایشان عدالت به معنای یکسان بودن همه برخورداران نیست، بلکه به معنای یکسان بودن حقوق و فرصت‌ها می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). البته برای تحقق این نوع از عدالت، رفتار عادلانه هر فرد در محیط کار خودش کافی نیست، بلکه یک نظام اجتماعی است که در آن جامعه قیام به قسط کند و قانون، اجرا، نظارت، قضاوت و تقسیم مواهب در آن عادلانه باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

ایشان برای عدالت اجتماعی را شامل تمامی عرصه‌های زندگی دانسته و برای آن مصادیق فراوانی ذکر می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۶/۳۰؛ ۱۳۸۲/۰۸/۲۳؛ ۱۳۸۵/۰۶/۰۶؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶؛ ۱۳۹۹/۰۶/۰۲؛ ۱۳۹۶/۱۱/۱۹؛ ۱۳۷۷/۰۲/۱۸).

ب- اهمیت عدالت اجتماعی: اگرچه عدالت اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای یک هدف میانی برای هدف غایی «رستگاری و فلاح انسان» است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۹/۱۰)، اما نخستین ارزش عملی در نظام اسلامی می‌باشد که به هیچ وجه و در هیچ شرایطی قابل خدشه نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹). به همین دلیل هیچ چیز در قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) به اندازه عدل و قسط مورد تأکید قرار نگرفته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۶/۲۰) و ارسال رسل، قیام اسلامی در ایران و ظهور و قیام امام زمان (عج) برای اقامه عدل می‌باشد. زیرا در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند و قسط و عدل، مقدمه‌ای واجب برای کمال نهایی انسان است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۶/۲۰). از این رو، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی، فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی و تأمین قسط و عدل شرط اسلامی بودن یک نظام می‌باشد (خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۹/۰۳/۱۰). اهمیت عدالت اجتماعی به قدری بالا است که از نگاه ایشان، بدون عدالت اجتماعی توحید معنایی ندارد و یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید عدالت است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۹/۰۲).

ج- مؤلفه‌های عدالت اجتماعی:

۱. برخورداری همه انسان‌ها از حق طبیعی خدادادی؛ توزیع برابر فرصت‌های کار، تلاش و ابتکار (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۱/۹):
۲. عدم تبعیض در حقوق، حدود و احکام، اجرای یکسان حقوق و حدود الهی و جلوگیری از برخورداری‌های نابحق (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲):
۳. رفع محرومیت و جلوگیری از ظلم و تجاوز به حقوق مظلومان و حیطة مشروع زندگی مردم (خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳):
۴. رفع فقر، توزیع درست ثروت و کم کردن فاصله فقیر و غنی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۶/۳۰):

د- ویژگی‌های عدالت اجتماعی:

۱. آرمانی فطری: آرمانی ثابت و همیشگی برای بشریت است که با تغییر زمان و مکان و پیشرفت دانش، تحول زندگی و شرایط اجتماعی تغییر نمی‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۹/۰۳).
۲. ارزشی مطلق: یعنی هیچ‌جا وجود ندارد که در آن عدالت بد باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹).
۳. در مفهوم ساده و در عمل مشکل (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)
- هـ- شرایط تحقق عدالت اجتماعی: تحقق عدالت اجتماعی از دیدگاه ایشان منوط به شرایط زیر است:
 ۱. حرکت بر محور تعالیم اسلام: از دیدگاه ایشان هر روشی غیر از اسلام برای تحقق عدالت غلط است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹).
 ۲. اقدام براساس مبنای فکری، مفاهیم و روش‌های متقن برگرفته از منابع اسلامی در مورد عدالت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷)
 ۳. گسترش اخلاق و فرهنگ اسلامی در جامعه: عدالت اجتماعی بدون ایجاد تحول اخلاقی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱) و ایجاد فرهنگ صحیح اسلامی در اذهان مردم محقق نخواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۴/۱۹).
 ۴. اعتقاد به مبدأ و معاد: بدون اعتقاد به مبدأ و معاد استقرار عدالت اجتماعی به معنای حقیقی کلیمی امکان ندارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).
 ۵. معنویت و عقلانیت: معنویت و عقلانیت شرط تحقق عدالت است، زیرا اگر معنویت نباشد عدالت به ظاهرسازی و ریاکاری تبدیل می‌شود و اگر عقلانیت نباشد، آنچه عدالت نیست عدالت تلقی می‌گردد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲).

۶. عدالت فردی کارگزاران، اصلاح نفس و توجه به خداوند: ایشان معتقدند در صورتی می‌توان امید به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه داشت که افرادی که می‌خواهند عدالت را اجرا کنند، عادل باشند و از ظلم به نفس پرهیز نمایند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۹/۲۹).

۷. قاطعیت، ارتباط با مردم، ساده‌زیستی و مردمی‌بودن، خودسازی و تهذیب (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹)

۸. وجود نظام و حکومت اسلامی و قانون و حکمرانی عادلانه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۰۹/۱۹)

۹. طراحی سیاست‌های عدالت و برنامه‌های تحقق سیاست‌ها و ایجاد ساختارهای عدالت‌طلبانه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱)

و- آثار عدالت اجتماعی: افزون بر اینکه عدالت اجتماعی در یک نگاه کلان زمینه لازم برای حرکت اختیاری انسان‌ها به سمت کمال نهایی (عبودیت خداوند) را فراهم می‌کند، در کلمات آیت‌الله خامنه‌ای به آثار دیگری نیز اشاره شده که در ادامه بیان می‌شود:

۱. جذب همه انسان‌ها به اسلام (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱)

۲. ارائه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان الگوی حقیقی اسلام (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶)

۳. رفع همه بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و ایجاد محیط‌زیست مناسب برای انسان‌ها (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۹/۲۹)

۴. افزایش صبر مردم در برابر ناکارآمدی‌ها (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹)

۵. افزایش تلاش اجتماعی و اقدام سازنده اقتصادی و رو آوردن ثروت به جامعه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

۶. ایجاد رفاه و توسعه مادی و رفع فقر (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸)

۷. افزایش امنیت اقتصادی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۰۴/۰۷)

۸. پایداری ایمان در جامعه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۸/۲۰)

ز- وظایف دولت و مردم در اجرای عدالت: آیت‌الله خامنه‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی وظایفی را برای دولت و مردم مشخص کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. وظایف دولت: ایشان تشکیل جامعه‌ای همراه با عدالت و قسط را وظیفه دولت و نظام اسلامی می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۵/۳۱) و از این‌رو از جمله وظایف دولت را علاج فقر به‌شکل اصولی دانسته‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵). ایشان معتقدند اهتمام اصولی دولت در همه سیاست‌ها باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد (خامنه‌ای، بیانات،

۱۳۸۰/۰۶/۰۵). دولت در انجام این وظیفه نباید به نسخه‌های غربی اعتماد کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۳/۰۲) و از کنار هم چیدن نظریات دیگران نیز که موجب التقاط است، باید پرهیز نماید. به نظر ایشان هر لایحه یا بخشنامه و برنامه‌ای که دولت می‌دهد، باید دارای پیوست عدالت باشد تا مطمئن شود فعالیت‌های او در راستای عدالت است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۰۶/۰۶).

۲. وظایف مردم: ایشان برای مردم دو وظیفه مهم مشخص کرده‌اند؛ نخست اقدام مستقیم در راستای رفع محرومیت و فقر (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵) و دیگری مطالبه جدی و منطقی عدالت از مسئولان (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴).

بعد از بیان آرمان‌های نظام اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نوبت به بیان منظومه اهداف نظام اقتصادی اسلام از منظر ایشان می‌رسد. با توجه به آنچه که در تبیین اهداف اسلامی گذشت، هدف غایی اسلام، قرب الهی است. برای تحقق این هدف، اهداف میانی مشخص شدند. حاکمیت اراده الهی در قلمرو فرد و جامعه، نخستین هدف در راستای دستیابی به هدف مذکور بود. برای تحقق این حاکمیت، باید انسان تربیت شود و برای تربیت انسان باید جامعه اسلامی تشکیل گردد. تشکیل جامعه اسلامی نیز مرهون عدالت اجتماعی است. بنابراین عدالت اجتماعی هدف غایی عملی همه نظام‌های اسلامی، از جمله نظام اقتصادی اسلام می‌باشد. بقیه اهداف اقتصادی همچون رشد تولید و افزایش ثروت، امنیت و رفاه اقتصادی و... همه در صورت تحقق در راستای عدالت اجتماعی ارزشمند هستند. این نتایجی است که از تحلیل بیانات معظم‌له در زمینه اهداف اسلامی به دست می‌آید. در ادامه به بیان اهداف نظام اقتصادی از دیدگاه ایشان پرداخته می‌شود.

هدف غایی نظام اقتصادی اسلام؛ عدالت اقتصادی

با توجه به بیان تفصیلی که در زمینه عدالت اجتماعی گذشت، در اینجا کمتر نیاز به اطاله کلام است؛ چرا که به صورت ضمنی این نتیجه نیز قابل حصول می‌باشد که همه مطالبی که در مورد ویژگی‌ها، شرایط تحقق، آثار عدالت اجتماعی و وظایف دولت و مردم در ارتباط با عدالت اجتماعی بیان شد، در مورد عدالت اقتصادی نیز صدق می‌کند، از این رو نیاز به تکرار آن نیست.

در چارچوب تعریفی که برای عدالت اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای ذکر شد، عدالت اقتصادی از دیدگاه ایشان را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «عدالت اقتصادی عبارت است از قرار دادن هر چیز در جای خود و دادن حق هر چیز و هر کسی را به او و عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام در مناسبات و روابط اقتصادی». بر این اساس عدالت اقتصادی به معنای یکسان بودن همه برخورداری‌های اقتصادی نیست، بلکه به معنای یکسان بودن حقوق و فرصت‌های اقتصادی است.

مؤلفه‌های عدالت اقتصادی عبارتند از: رفع فقر و دفاع از محرومان، توزیع و تقسیم صحیح منابع مالی و درآمدهای اقتصادی یک کشور و پُر کردن فاصله فقیر و غنی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰). از دیدگاه ایشان برخلاف نظام سرمایه‌داری که اساس نظام اقتصادی مسأله رشد اقتصادی و افزایش ثروت است، اما در نظام اقتصادی اسلام عدالت هدف اصلی می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۵/۲۵) و اساساً رشد اقتصادی بدون عدالت اجتماعی مقبول نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲). رفاه و پیشرفتی که فاصله طبقاتی را بیش‌تر کند، موردنظر اسلام نمی‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۳/۱۲).

از بیانات ایشان چنین استفاده می‌شود که عدالت اجتماعی که شامل عدالت اقتصادی است، رابطه‌ای دوسویه با اهدافی همچون سازندگی و پیشرفت اقتصادی، افزایش ثروت ملی، رفاه، رشد و توسعه و رونق اقتصادی دارد. از سویی این اهداف چنانچه بیان شد، اگر در راستای عدالت اجتماعی و اقتصادی نباشند، اهداف مطلوب موردنظر اسلام نیستند و بلکه مضرند و از سوی دیگر عدالت اجتماعی، زمینه‌ساز تحقق این اهداف است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام

آنچنان که از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استفاده می‌شود، مهم‌ترین هدف میانی نظام اقتصادی اسلام «پیشرفت اقتصادی» است. معظم‌له عرصه‌های پیشرفت اسلامی را چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت ذکر می‌کنند که باید با هم تحقق یابد. از دیدگاه ایشان پیشرفت در عرصه معنویت روح پیشرفت در سه عرصه دیگر می‌باشد. عرصه زندگی از نگاه ایشان شامل همه چیزهایی است که در زندگی یک جامعه به‌عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح می‌باشد؛ مانند امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون و حکومت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). بر این اساس، پیشرفت در عرصه زندگی باید همراه با پیشرفت در عرصه فکر و علم باشد و پیشرفت در این سه عرصه باید همراه با پیشرفت در عرصه معنویت باشد. یکی از مسائل اساسی و خطوط اصلی در عرصه‌های زندگی عدالت اجتماعی است.

ایشان پیشرفت اقتصادی را در صورتی که موجب تحقق هرچه بیش‌تر عدالت اجتماعی باشد، هدف اسلام در عرصه اقتصاد می‌داند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۳/۱۲). از طرف دیگر همچنین ایشان پیشرفت مادی و اقتصادی بدون پیشرفت در عرصه معنویت را انحرافی بزرگ می‌دانند که به فساد جامعه می‌انجامد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲) و پیشرفت مادی همراه با پیشرفت معنوی حرف جدید جمهوری اسلامی ایران است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۵/۲۱). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هدف میانی نظام اقتصادی اسلام، پیشرفت اقتصادی عدالت محور همراه با

عقلانیت و معنویت می‌باشد. البته شایان ذکر است که ایشان پیشرفت مادی را متوقف بر دو عنصر می‌دانند: نخست علم و دیگری تولید که باید همراه هم باشند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۲/۸).

یکی دیگر از اهدافی که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای از اهداف مهم اقتصاد اسلامی است، رسیدن به «قدرت اقتصادی برتر» می‌باشد. ایشان معتقدند در آیه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰) مقصود از قوت، تنها قوت نظامی نیست، بلکه شامل قوت در سایر عرصه‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی، سیاسی و تبلیغی نیز می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۱/۳).

ایشان اقتدار اقتصادی را یکی از ارکان اقتدار ملی دانسته و کشوری را مقتدر می‌دانند که دارای پول ملی قدرتمند، تأثیرگذار در بازارهای اقتصادی دنیا، متکی به امکانات خود در بهبود وضعیت اقتصادی، ثروت‌مند و غنی و توانا در کاهش و ریشه‌کن‌سازی فقر و بیکاری، دارای تولیدات کشاورزی و صنعتی در حد مطلوب و توانا در بهره‌برداری بهینه از منابع و معادن باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۲/۲۸).

از دیدگاه ایشان اقتصاد قوی همان اقتصادی مقاوم‌تری است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۶/۱۸). از این‌رو در دیدگاه ایشان عمل به سیاست‌های اقتصاد مقاوم‌تری مانند: درون‌زایی (خامنه‌ای، پیام، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹)، دستیابی به دانش و فناوری پیشرفته (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۱/۱)، رونق تولید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۲/۱۷) موجب دستیابی به قدرت اقتصادی می‌شود.

رفع توطئه‌های دشمن (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۹/۲۴) و نجات‌بخشی ملت‌های مسلمان به‌واسطه الگو شدن ملت ایران برای سایر جوامع اسلامی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۵/۲۹) از مهم‌ترین آثار قدرت اقتصادی است.

سومین هدفی که در کلمات معظم‌له به‌عنوان هدف نظام اقتصادی اسلام بیان شده «افزایش ثروت ملی و رشد اقتصادی» است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰). اسلام نیز برای ثروت اهمیت و اعتبار قائل است و ثروت در اسلام امری مطلوب و با ارزش می‌باشد؛ ولی نگاه اسلام به ثروت نگاه الهی و معنوی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۸/۲۸). طبق این نگاه باید بین کار و درآمد ارتباط مستقیمی باشد و درآمدها، ناشی از کار باشد و جلوی ثروت‌های بادآورده و ناشی از واسطه‌گری‌ها و دلال‌بازی‌های نامشروع، رشوه‌گرفتن‌ها، ویژه‌خواری‌ها و رباخواری‌ها نباشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۲/۹). ایشان معتقدند اگر در جامعه‌ای پول و ثروت باشد، ولی بد خرج شود، هم محرومیت‌ها باقی خواهد ماند و هم کسانی که به این ثروت‌ها دست یافته‌اند، با آن فساد خواهند کرد و بنابراین چنین ثروتی اگر نباشد، بهتر از آن است که باشد، ولی بد خرج شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۲/۲۸).

ایشان علم را یکی از اسباب مهم دست‌یابی به قدرت و ثروت ملی ذکر کرده و تأکید می‌کنند که علم و ثروت یک هم‌افزایی پی‌درپی دارند؛ پیشرفت در علم موجب افزایش ثروت می‌شود و افزایش ثروت نیز موجب پیشرفت بیشتر در علم می‌گردد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۶/۵). همچنین کارگر را عامل اصلی رشد اقتصادی و تولید ثروت دانسته و عامل اصلی تحقق عملی همه فکرها، هدف‌ها و پیشرفت‌های علم اقتصاد را سرپنجه کارگر ذکر می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۲/۱۴).

هدف بعدی که در بیانات ایشان مطرح شده، «رفاه» می‌باشد. در بیانات ایشان رفاه به دو معنا استعمال شده است. در یک بیان، رفاه مادی بدین معنا می‌باشد که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادها و نیروهای انسانی خودی، به حدّ قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی رخت بر بندد (خامنه‌ای، پیام، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳). در بیان دیگر رفاه به معنای تأمین نیازهای زندگی مردم دانسته شده که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی اسلام است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸).

از دیدگاه ایشان همان‌طور که پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت، معنویت و عقلانیت هدف میانی اسلام می‌باشد، رفاهی مطلوب است که همراه با عدالت و معنویت و عقلانیت باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۳/۱۲؛ ۱۳۸۱/۰۹/۰۱). از نگاه ایشان تنها راه تحقق این هدف و اهداف دیگر، تمسک به اسلام و قرآن کریم و حاکمیت احکام نورانی اسلام در جامعه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶) و حرکت براساس ایمان صادق و صحیح اسلامی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۰۴/۱۴). همچنین دست‌یابی به این هدف بدون علم و تربیت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) ممکن نیست. ایشان در بیان دیگری سرمایه‌گذاری روی فرهنگ جامعه را یکی از شروط مهم تحقق رفاه عمومی مردم ذکر می‌کنند. و چنانچه می‌دانیم این کار از طریق تعلیم و تربیت به‌ویژه در دوران کودکی و نوجوانی میسر می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴).

«امنیت اقتصادی» هدف بعدی نظام اقتصادی اسلام است. امنیت به این معناست که آحاد مردم از هر قشری که می‌خواهند در زمینه صنعت، کشاورزی، سرمایه‌گذاری و تجارت، کار اقتصادی انجام دهند، بدانند که کسی مزاحم آن‌ها نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰).

آیت‌الله خامنه‌ای امنیت را نعمت بزرگی می‌داند که در قرآن کریم ذکر شده و زمینه‌ساز پیشرفت مادی و معنوی و شرط حرکت بزرگ اجتماعی برای یک ملت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰) و پایه و اساس برای انسجام و پیوستگی امور مملکت دانسته و آن را شرط تحقق عدالت اجتماعی، پیشرفت علمی و هرگونه فعالیت اقتصادی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۱/۰۶) و تلاش برای

سازندگی و افتخار آفرینی و دست‌یابی به فرصت‌های خوب ذکر کرده‌اند. از دیدگاه ایشان امنیت دارای انواعی مانند: امنیت نظامی، انتظامی، سیاسی، اقتصادی، فکری و عقیدتی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰)، اجتماعی، فرهنگی، امنیت در آبرو (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸)، امنیت اخلاقی و قضایی است.

ایشان عدالت اجتماعی را زمینه‌ساز تحقق امنیت اقتصادی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۰۴/۰۷) و فسادستیزی را شرطی اساسی برای تحقق امنیت اقتصادی دانسته‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). همچنین ایشان یکی از عرصه‌های مهم امنیت اقتصادی را امنیت سرمایه‌گذاری و تولید ذکر کرده (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۱/۰۱) و بر نقش دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی برای تحقق امنیت در این عرصه نیز تأکید می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۱/۰۱).

سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی در پنج بند توسط ایشان تنظیم گردیده و به سران قوا ابلاغ شدند:

- ۱- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع.
- ۲- هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس می‌باشد.
- ۳- قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی باشند.
- ۴- نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرایم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن و تخصصی باشد.

۵- شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد (خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰).

آخرین هدفی که طبق بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌تواند به‌عنوان هدف میانی نظام اقتصادی اسلام بیان شود «استقلال اقتصادی» است. ایشان استقلال اقتصادی را به‌معنای هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جهانی تعریف می‌کنند. زیرا نقشه اقتصاد جهانی را سرمایه‌داران اغلب صهیونیستی و بعضاً غیرصهیونیستی برای تصرف در منابع مالی همه دنیا طراحی کرده‌اند و هضم شدن در این اقتصاد، موجب خسارت و شکست است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴). از این‌رو، ایشان عمل به سیاست‌ها و معاهدات (کنوانسیون‌های) بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را مانع پیشرفت کشور دانسته (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۱/۱) و کسانی که معتقدند «ما جز با تسلیم در مقابل این برنامه‌ها

نمی‌توانیم پیشرفت اقتصادی کنیم» را تخطئه کرده و بر تکیه بر سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی کشور برای پیشرفت اقتصادی تأکید می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۴/۱۰).

آیت‌الله خامنه‌ای استقلال و عدم وابستگی به بیگانگان را یکی از مؤلفه‌های حیات طیبیه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۶/۲۵) و سعادت جامعه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۸/۱۰) و یکی از آرمان‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۰۲/۲۱) و شاخص‌های انقلابی بودن (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۳/۱۴) می‌دانند. شایان ذکر است ایشان استقلال فرهنگی را مهم‌تر از استقلال اقتصادی و این دو را مهم‌تر از استقلال سیاسی می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱/۲۸). ایشان استقلال فکری و علمی را مهم‌تر از همه دانسته و معتقدند استقلال فکری و علمی همه استقلال‌های دیگر را به دنبال خواهد داشت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۶/۱۲).

اصول نظام اقتصادی اسلام

مقصود از اصول، چارچوب‌ها و باید‌های کلان برآمده از مبانی است که مسیر حرکت به سمت اهداف را تعیین می‌کند. در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به دو دسته از اصول تصریح شده است:

الف- اصول ساختاری: اصولی که زیربنای حقوق اقتصادی‌اند و ساختار نظام اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و سامان می‌دهند. این اصول در ضمن شش اصل بیان می‌شوند:

۱- اصل مردم‌سالاری اسلامی در نظام اقتصادی: ایشان در یکی از بیانات خود پس از بیان این مطلب که مردم‌سالاری به معنای آن است که «براساس اسلام سالار زندگی جامعه، خود مردمند» می‌فرمایند بسیج مظهر مردم‌سالاری می‌باشد و اگر بسیج وارد عرصه اقتصاد شود، در این صورت اقتصاد مردم‌سالار خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۹/۰۳). ایشان همچنین یکی از اصول اقتصاد مقاومتی را مردم‌بنیادی ذکر کرده و اقتصاد مردم‌بنیاد را اقتصادی معرفی می‌نمایند که دولتی نیست و مردمی است و با اراده، سرمایه، حضور و فعالیت مردم تحقق پیدا می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱/۱). آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند مشارکت مردم در اقتصاد یک اصل است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۶/۸) و باید به مردم تکیه کرد و به آن‌ها بها داد تا با امکانات بی‌کرانی که دارند، وارد میدان اقتصاد شوند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

معظم‌له حضور مردم در اقتصاد را موجب عنایت، کمک و پشتیبانی الهی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰) و پیشرفت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۱/۰۱) و شکوفایی مضاعف اقتصادی می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

از دیدگاه ایشان برای تحقق حضور مردم در عرصه اقتصاد، شرایطی مانند «وجود امنیت» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، «داشتن اطلاعات لازم و شفافیت‌ساز و کارهای فضای

کسب‌وکار» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱/۱)، «توانمندسازی مردم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱/۱)، «ایجاد زمینه‌های قانونی، علمی و اقتصادی» (خامنه‌ای، پیام، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰) و «ایجاد عدالت اجتماعی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷) باید تحقق یابد.

۲- اصل دولت خدمت‌گزار: ایشان دولتی کردن اقتصاد و عدم حضور مردم در میدان اقتصاد را منشأ آسیب‌های اقتصادی برشمرده (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱) و تبدیل دخالت دولت در اقتصاد، به هدایت و نظارت دولت را جزو مسائل اصلی کشور می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۶/۰۸). ایشان برای تحقق این هدف لازم دانسته‌اند که دولت توان سرمایه‌گذاری مردم را افزایش داده (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۶/۰۸) و از طریق تزریق منابع مالی، برداشتن مقررات دست و پاگیر، مبارزه با قاچاق، منع واردات بی‌رویه، و مبارزه با فساد مالی و کارشکنی‌های اداری از تولیدکنندگان حمایت کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷). ایشان برای هریک از بخش خصوصی و دولتی، شأن و جایگاهی در اقتصاد قائلند و معتقدند این دو باید مکمل هم باشند و نه جانشین یکدیگر. فعالیت‌هایی را که مردم می‌توانند انجام دهند باید توسط مردم انجام شود و برخی کارها را که بخش خصوصی قادر به انجام آن‌ها نیست، باید بخش دولتی انجام دهد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۸/۲۸).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در مورد نقش دولت اسلامی در عرصه اقتصاد را در قاعده کلی زیر خلاصه کرد: «دولت باید نقش مکمل را برای فعالیت‌های اقتصادی مردم را بازی کند، بدین صورت که: در آن بخش از فعالیت‌های اقتصادی که مردم می‌خواهند و می‌توانند انجام دهند، دولت نقش هدایت، نظارت، حمایت، توان‌بخشی، زمینه‌سازی و رفع نواقص، موانع، انحرافات، فسادها و کج‌روی‌ها را برعهده دارد و در غیر این موارد باید خود تصدی آن فعالیت را به‌عهده گیرد.»

برخی مصادیق وظایف دولت اسلامی که در بیانات مختلف ایشان وارد شده عبارتند از: «حفظ اموال دولتی برای رعایت مصالح عمومی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۶/۰۴)، «مدیریت دقیق و عالمانه منابع و بهبود فضای کسب‌وکار» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۶/۱۶)، «برخورد با عوامل مخرب بخش‌های گوناگون اقتصاد و جلوگیری از قاچاق، احتکار و دلال‌بازی‌های مضر و امثال این‌ها» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴)، «عدم شتاب‌زدگی و تقلید از فرمول‌ها و شیوه‌های اقتصادی دیکته‌شده بین‌الملل و استفاده حداکثری از نظرات کارشناسی در طرح‌های اقتصادی در دولت» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۶)، «حمایت از صادرات و پیدا کردن و تأمین بازارهای صادراتی برای تولیدات داخل» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۱/۰۹)، «سیاست‌گذاری و حمایت از

افزایش تولید داخلی و مدیریت واردات» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۵/۲۷)، «حمایت ویژه از بخش کشاورزی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۱/۰۱).

۳- اصل آزادی اقتصادی: آیت‌الله خامنه‌ای در چهار خطبه در نماز جمعه درباره آزادی اقتصادی از دیدگاه اسلام صحبت می‌کنند. از مجموع بیانات ایشان در این باره چنین استفاده می‌شود که از دیدگاه ایشان آزادی اقتصادی در اسلام به معنای آزادی همه مردم در استفاده از منابع و ثروت‌های طبیعی و انجام فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌مندی از نتایج فعالیت‌های خود می‌باشد. این آزادی مطلق نیست و از سویی محدود به حدودی است که شریعت اسلام معین کرده و از سوی دیگر محدود به حدودی می‌باشد که دولت اسلامی برای جلوگیری از سوءاستفاده از آزادی اقتصادی و تمرکز ثروت و فساد در جامعه وضع می‌کند. همچنین آزادی اقتصادی مردم، مستلزم مسئولیت و تکلیف مردم در پُر کردن خلأها و رفع مشکلات اقتصادی است.

ایشان ابتدا به سوءاستفاده‌هایی که از اصل آزادی اقتصادی در اسلام شده است، پرداخته و می‌فرمایند: از طرفی طرفداران مکاتب چپ از آزادی اقتصادی در اسلام سوءاستفاده کردند و اسلام را متهم به طرفداری از اقتصاد آزاد و بنابراین طرفداری از استثمار نمودند. از سوی دیگر کسانی که می‌خواستند از اسلام دفاع کنند و فاقد تفکر عمیق بودند، از ترس حمله گروه‌های چپ، به کلی آزادی فعالیت اقتصادی در اسلام را نفی کردند. گروه سومی نیز وجود داشتند که از آزادی اقتصادی در اسلام سوءاستفاده عملی نموده و بر ثروت‌ها، اندوخته‌ها و سوءاستفاده‌های خودشان هرچه خواستند، افزودند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۷/۲۴).

از دیدگاه ایشان تفاوت آزادی اقتصادی در اسلام با غرب در این است که آزادی غربی متعلق به افرادی می‌باشد که مالک ثروت‌های انباشته شده هستند. این افراد سرنوشت سیاسی جامعه را در دست دارند و دارای قدرت اجتماعی هستند. آزادی غربی موجب تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص شده و مواهب اقتصادی را از عموم مردم سلب می‌کند. این درحالی است که آزادی در اسلام در این امور از غرب متمایز است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۷/۲۴).

در اسلام آزادی اقتصادی مطلق در عرصه تولید و توزیع و مصرف مردود می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۷/۲۴) و اسلام برای آزادی اقتصادی حدودی را در نظر گرفته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۸/۱۵). البته به صورت اجمالی لازم است اشاره شود که از دیدگاه ایشان حدودی که در اسلام برای فعالیت اقتصادی در نظر گرفته شده است، متفاوت از حدود آزادی در مکاتب سوسیالیستی و مارکسیستی می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۸/۱۵).

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند در اقتصاد اسلامی در کنار حق آزادی اقتصادی مردم، برای جلوگیری از ظلم و انواع فساد مالی و جلوگیری از تخلف از حدود آزادی و تعدی به آزادی دیگران و جلوگیری از اشرافی‌گری، اسراف در جامعه، برای دولت نیز حق نظارت، مراقبت و هدایت فعالیت‌های اقتصادی قرار داده شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۱۰/۱۱).

به نظر معظم‌له در اقتصاد اسلامی بین آزادی اقتصادی مردم و مسئولیت و تکلیف آن‌ها در عرصه اقتصاد تلازم منطقی وجود دارد و چون مردم در فعالیت‌های اقتصادی آزادند، مسئولیت امور اقتصادی جامعه نیز بر دوش مردم است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۷/۲۴) و مردم مکلفند مال خود را در جهت اداره امور نیازهای اقتصادی و پُر کردن خلأهای اقتصادی جامعه انفاق کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۷/۲۴).

۴- اصل مالکیت: ملکیت عبارت است از نوعی اعتبار عقلایی بین شیء و شخص (الموسوی الخمینی، ۱۴۲۱ق: ۱/ ۲۵) که از نتایج آن، توانایی مالک بر تغییر و تحول در مال می‌باشد (ر.ک. الصدر، ۱۳۷۵: ۱۸۲ و ۱۸۳؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۵۸؛ محمود هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۸۲ق: ۶۱۱). آیت‌الله خامنه‌ای در مورد انواع مالکیت در اسلام به صورت مستقیم مطلبی بیان فرمودند، ولی تقسیمی که در قانون اساسی صورت گرفته را هوشمندانه توصیف کرده و آن را تأیید فرمودند. مالکیت بر طبق قانون اساسی به سه قسم: مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می‌گردد و این تقسیم و مصادیقی که ذیل آن ذکر شده است تا وقتی که به مصلحت کشور و موجب رشد و توسعه شود، اعتبار دارد؛ اما اگر به مصلحت کشور نباشد و موجب زیان گردد، باید مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گیرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۱۰/۳۰).

در مواردی که مالکیت خصوصی در اسلام پذیرفته شده نیز حدودی دارد و مالکیت خصوصی مطلق به نحوی که در سرمایه‌داری وجود دارد، پذیرفته نیست. اسلام در عین اینکه مالکیت خصوصی را مشروع می‌داند، در عین حال برای آن حدودی را قرار داده و این حدود با حدود مالکیت که در سوسیالیسم مطرح است، فرق می‌کند. در مکتب سوسیالیسم مالکیت بر زمین و ابزار تولید ممنوع می‌باشد، ولی در اسلام این نوع مالکیت در چارچوب احکام شرعی منعی ندارد. همچنین در مکاتب مارکسیستی معامله‌گری و خرید و فروش عمل ضدارزش تلقی می‌شود و محکوم است، ولی در اسلام در چارچوب موازین شرع نه تنها جایز می‌باشد، بلکه مورد تشویق است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۸/۱۵).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در اسلام، از سویی مالکیت خصوصی در محدوده موازین شرع، محترم شمرده شده و از سوی دیگر برای جلوگیری از سوءاستفاده و فساد، نظارت و کنترل دقیق

دستگاه حاکمیت را نیز لازم دانسته شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۷/۲۴). افزون بر این، به ولی امر و دستگاه حکومت اختیار داده شده است که در مواردی که مالکیت اشخاص خلاف مصالح عمومی می‌باشد، اختیارات مالکان را محدود نماید و یا ملک آن‌ها را مصادره کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۵۸/۰۸/۱۳).

۵- اصل «چگونگی تعیین ارزش معاملی اشیاء»: این اصل به دنبال بیان چگونگی تعیین ارزش معاملی اشیاء با نگاه مکتبی و هنجاری است. آنچه از مجموعه بیانات و نظرات فقهی آیت‌الله خامنه‌ای برداشت می‌شود، این است که ارزش معاملی اشیاء با دو عامل تعیین می‌گردد:

۱. رغبت مردم به اشیاء به خاطر منافع آن‌ها: تأثیر رغبت مردم در ارزش معاملی اشیاء از مباحثی که فقها در باب مالیت اشیاء کرده‌اند، قابل استفاده است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در درس خارج فقه خود در موضوع مکاسب محرمه در این باره اظهار نظر فرموده‌اند. از دیدگاه ایشان مالیت یک مفهوم عقلایی می‌باشد و معنا و اصطلاح خاصی در شرع مقدس اسلام ندارد. از این رو، برای فهم آن باید به عقلا رجوع شود. در نزد عقلا مالیت یک اعتبار عقلایی است و عقلا مالیت را برای یک شیء فرض و اعتبار می‌کنند و منشأ اعتبار نیز رغبت به آن به خاطر منافع آن می‌باشد. انسان در اثر رغبتی که به شیء به دلیل منافع آن پیدا می‌کند، تلاش می‌نماید از طریق فعالیتی همچون حیازت یا از طریق پرداخت عوض، آن شیء را به دست آورد (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۸۵/۸/۲۸). ایشان معتقدند این رغبت باید عقلایی باشد؛ اما لازم نیست همه عقلا چنین رغبتی داشته باشند، بلکه رغبت شخصی هم کافی است (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۸۵/۹/۵). معظم‌له معتقدند مالیت اشیاء به اختلاف مکان، زمان، شرایط، افراد، قوانین و عرف‌ها، متفاوت می‌باشد. ممکن است چیزی در یک زمان یا مکان یا شرایط یا برای برخی افراد و یا در برخی قوانین و عرف‌ها دارای منفعت و مورد رغبت باشد و از این رو مالیت داشته باشد و در برخی دیگر مالیت نداشته باشد (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۸۴/۱۲/۲).

۲. هزینه تمام شده تولید آن اشیاء: از بیانات دیگر ایشان استفاده می‌شود که هزینه تولید نیز یکی از عوامل تعیین کننده میزان مالیت و ارزش معاملی اشیاء می‌باشد. البته ایشان به این مطلب تصریح نفرمودند، ولی لازمه مطالبی است که در ارتباط با برخی مباحث اقتصادی بیان فرمودند. برای مثال ایشان در تبیین ضرورت دانش بنیان شدن اقتصاد یکی از آثار چنین اقتصادی را کاهش هزینه تولید، افزایش بهره‌وری و کیفیت کالا و کاهش قیمت تمام شده آن ذکر می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۰۱/۰۱).

۶- اصل «کار منشأ درآمد»: این اصل در ساختاردهی به نظام اقتصادی بسیار مؤثر است. اصل مذکور برگرفته از اصل عام‌تر تکوینی «رابطه مستقیم عمل و نتیجه» که آیت‌الله خامنه‌ای از آیات قرآنی استفاده فرموده‌اند.

ایشان از آیه ۳۹ سوره نجم: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» این اصل کلی را استفاده می‌کنند که: «هر فرد یا ملتی که به نتیجه مادی یا معنوی رسیده، نتیجه کار و تلاش خودش بوده است». بر این اساس به هیچ فرد یا ملتی بدون کار و تلاش از خزائن غیب الهی چیزی نمی‌دهند و این قاعده‌ای است که هم در امور مادی و دنیوی و هم در امور معنوی و اخروی جاری می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹).

ایشان می‌فرمایند کار در اسلام به دو معنا به کار رفته است: نخست کار به معنای عمل است که شامل همه نوع عمل مادی، دنیوی، معنوی و اخروی می‌شود و دیگری هم کار به همان معنای کار اقتصادی می‌باشد. آیه ۳۹ سوره نجم در مورد کار به معنای اول، یعنی عمل به صورت مطلق است و بر این مطلب تأکید می‌کند که هرکس نتیجه عمل خود را در دنیا و آخرت دریافت خواهد کرد و مفت‌خواری و مفت‌جویی غلط است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷).

ایشان از این آیه استفاده دیگری می‌کنند که در نظام‌سازی و ساختاردهی به نظام بسیار مؤثر است و آن اینکه در نظام اقتصادی باید رابطه مستقیمی بین درآمد و کار و تلاش باشد و «درآمد باید ناشی از کار باشد». ایشان معتقدند این اصل باید در جامعه نهادینه شود و به صورت یک فرهنگ درآید. در این صورت از ثروت‌های بادآورده و ثروت‌های ناشی از واسطه‌گری، سوداگری، دلال‌بازی، ویژه‌خواری، رشوه دادن و رشوه گرفتن و رباخواری که موجب به‌وجود آمدن مترفان و افزایش فساد در جامعه می‌شود، جلوگیری خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۰۲/۰۹).

دولت نیز باید جلوی مناسبات غلط اقتصادی مانند قاچاق، رباخواری و رانت‌خواری، زیاده‌خواری، فساد اقتصادی و استفاده از قدرت برای دست‌یابی به ثروت‌های بادآورده و نامشروع را بگیرد؛ زیرا وقتی چنین راه‌هایی برای دست‌یابی به ثروت وجود داشته باشد، کسی که تولیدکننده و زحمت‌کش واقعی در بخش کشاورزی یا صنعت یا سایر بخش‌های اقتصادی است، ناامید می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵).

ب- اصول رفتاری: اصولی که زیربنای اخلاق اقتصادی‌اند و رفتارها و روابط اقتصادی انسان‌ها را شکل و سامان می‌دهند؛ در ادامه به تبیین این اصول از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته می‌شود:

۱- اصل انصاف: یکی از اصول رفتاری که تنظیم‌کننده رابطه انسان با انسان‌های دیگر در نظام اقتصادی اسلام است اصل رعایت انصاف می‌باشد. معظم‌له دو نوع جامعه را تصویر می‌کنند که

تنظیم روابط در آن‌ها مقابل هم است. نخست جامعه‌ای که در آن روابط اجتماعی براساس رحم، مروت، انصاف و اخلاق خوب تنظیم شده است و دیگری جامعه‌ای که در آن روابط اجتماعی براساس سودجویی تنظیم گردیده، به گونه‌ای که انسان‌ها حاضرند برای دستیابی به منافع خود دیگران را نابود کنند. ایشان نوع اول را جامعه اسلامی و نوع دوم را جامعه جاهلی نام نهاده‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰).

بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه اهمیت اصل انصاف زیاد است، اما در یکی از مهم‌ترین بیانات تحقق روح توحید در زندگی انسان‌ها را مبتنی بر استقرار عدل و انصاف در جامعه می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۹/۳).

ایشان با استناد به فرازی از عهدنامه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به مالک اشتر (نامه ۵۳ نهج‌البلاغه) که فرمود: «أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَ مِنْ لَكَ فِيهِ هَوَى مِنْ رَعِيَّتِكَ» کارگزاران را بر انصاف نسبت به خداوند و مردم سفارش می‌کنند. انصاف نسبت به خداوند بدین معنا است که کارگزار خود را در برابر تکلیف الهی مسئول دانسته و خود را در برابر تکلیف الهی محکوم کند و انصاف نسبت به مردم به معنای داد مردم را از خود و بستگان و طرفداران خود ستاندن و امتیاز ناروا برای خود و بستگان و هواداران قائل نشدن است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷).

آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به کلام امام باقر علیه‌السلام یکی از دشوارترین تکالیف مردم را «انصاف المؤمن من نفسه» ذکر کرده و آن را به این معنا تفسیر می‌کنند که در مواردی که حق با طرف مقابل می‌باشد و امر دائر است بین اینکه حق را زیر پا گذارد و منافع خود را نگه دارد یا منافع خود را زیر پا گذارد و حق را به طرف مقابل دهد، انصاف آن است که منافع خود را زیر پا گذارده و حق را به حق‌دار بدهد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۶/۳۱).

ایشان در لابه‌لای بیانات خود به مصادیقی از رعایت انصاف مانند انصاف در مقام نقد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۶/۴)، در عرصه برخورد با مسائل علمی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۸/۲)، در برخورد با اقلیت‌های دینی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۱/۰۶) و در قلم زدن (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹) و حتی در برخورد با دشمن (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۳/۸)، پرداخته‌اند.

از دیدگاه ایشان رعایت انصاف سبب نزول باران و رحمت الهی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۹/۲۵) و ایجاد آرامش در زندگی بشر (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۵/۲۰) دانسته‌اند. همچنین یکی از عوامل سهم‌بری عادلانه نیروی کار از درآمد بنگاه را وجود انصاف در کارگر و کارفرما ذکر

کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۰۲/۰۹) و از آثار منفی بی‌انصافی را مقابله به مثل دانسته‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۳/۸).

۲- اصل رقابت مثبت: یکی از اصول رفتاری در نظام سرمایه‌داری، اصل رقابت به انگیزه حداکثرسازی منافع شخصی است. رقابت به مفهوم تلاش برای پیروزی بر رقیب در دستیابی به امتیازات اقتصادی همچون شغل خوب، دستمزد بالا، ترفیحات، کالاها و خدمات دل‌پذیر، امنیت در سن پیری و... می‌باشد. اما از دیدگاه ایشان این رقابت مورد قبول نیست و رقابت در خیرات و تعاون و برّ و تقوا وجود دارد.

از دیدگاه ایشان رقابت مثبت دارای این شروط است: ۱- در امر خیر باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۱/۳۰) ۲- در چارچوب اصول نظام و انقلاب اسلامی باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶) ۳- با رعایت اخلاق اسلامی باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۷/۲۵) ۴- با رعایت قوانین و مقررات اسلامی باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۱۰/۱۸). پیداست که از نظر ایشان رقابتی که یکی از عناصر چهارگانه را نداشته باشد، رقابت منفی است.

آیت‌الله خامنه‌ای به برخی عرصه‌های رقابت مثبت مانند: ۱- رقابت کارگزاران حکومت برای خدمت‌گذاری به مردم (خامنه‌ای، پیام، ۱۳۸۲/۱/۱) ۲- رقابت در ابتکارات و تدبیرات برای ارتقاء سازمان (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۱/۳۰) ۳- رقابت دانشجویان در تولید، فراگیری و کاربست معلومات (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴) ۴- رقابت گفتمانی دانشجویان (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۵/۰۱) ۵- رقابت دانشگاه‌ها، اساتید و نخبگان کشور در نوآوری‌های علمی و فناوری (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵) ۶- رقابت اقوام ایرانی در تحقق آرمان‌های ملی و اسلامی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷)، اشاره کرده‌اند.

بر این اساس می‌توان دیدگاه ایشان در مورد رقابت مثبت به‌عنوان یک اصل رفتاری در نظام اقتصادی اسلام را استنباط کرد. بی‌تردید از این نگاه، رقابت داروینستی به هدف دستیابی به سود شخصی بیش‌تر، بدون توجه و احساس مسئولیت نسبت به نیازها و مشکلات اقتصادی نظام اسلامی، مصداق روشن رقابت منفی و تنافس و تکالب بر مظاهر و امور دنیوی و امری قبیح و مذموم است. از این دیدگاه رقابت مثبت در نظام اقتصادی رقابت در کاری است که در عرصه رفتارها و روابط اقتصادی کار خیر تلقی می‌شود و مصداق روشن آن تلاش برای تحقق اهداف نظام اقتصادی و رفع مشکلات اقتصادی آن می‌باشد. بر این اساس مسابقه در سرمایه‌گذاری و افزایش تولید کالاها و خدمات موردنیاز جامعه با کیفیتی خوب و قیمت پائین و مسابقه در افزایش امنیت و عدالت اقتصادی در جامعه و رفع مشکل فقر، بیکاری، فساد و تبعیض در جامعه رقابت اقتصادی مثبت تلقی می‌گردد.

اهداف و اصول نظام اقتصادی اسلام از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (میرمعزی و شخم‌گر) ۱۰۱

و در نظام اقتصادی اسلام این‌گونه رقابت به‌منزله اصل رفتاری بر رفتار مردم و کارگزاران دولتی حاکم می‌باشد. توجه به این نکته ضروری است که در دیدگاه ایشان، هرچند رقابت بخش خصوصی با یکدیگر در چارچوب رقابت مثبت امری ممدوح می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۵/۰۵)، اما رقابت دولت با بخش خصوصی ممنوع است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۱۱/۱۰).

ایشان در بیاناتی عوامل افزایش رقابت مثبت اقتصادی را «پیشرفت علم و فناوری» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۰۱/۰۱) و «مبارزه با فساد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰) دانسته‌اند.

۳- اصل اتقان عمل: یکی از اصول رفتاری که آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات متعددی بر آن تأکید نمودند، اصل اتقان عمل است. ایشان اتقان عمل را به عدم سهل‌انگاری و کوچک‌انگاری و بی‌اهمیت انگاشتن کار و رها کردن آن و انجام متقن، محکم، کامل و تمام کار (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۰۵/۰۷) با وجدان کاری و احساس مسئولیت و عبادت دانستن کار معنا می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۹/۲۸).

آیت‌الله خامنه‌ای برای تأکید بر اهمیت اتقان عمل بارها در سخنرانی‌های خود به این حدیث پیامبر اکرم (ص) استناد فرمودند: «رحم الله امرأ عمل عملاً فائقته»؛ یعنی: رحمت خدا بر آن آدمی که کاری را که انجام می‌دهد، محکم‌کاری می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹). ایشان با استناد به همین حدیث، کار متقن را فرهنگ و دستور اسلام (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۲/۰۷)، مطلوب خداوند متعال (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۰۴/۰۵) و عملی صالح (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۰۴) و عبادت دانسته (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۰۹) و معتقدند هر کاری را که انسان در هر پست و مقامی به نفع مردم انجام دهد، در صورتی که کاری ماندگار و اصیل و ریشه‌دار باشد، یک حسنه و صدقه جاریه است و اگر این کار همراه با استحکام و دوام و خلوص نیت و دقت لازم باشد، مشمول دعای پیامبر اعظم (ص) قرار گرفته و زبان قاصر از بیان ارزش آن می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۰/۱۲).

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند اگر اتقان عمل در جامعه نهادینه شود، هم در دنیا و هم در آخرت اثر دارد: در دنیا موجب به‌وجود آمدن جامعه‌ای سرافراز، آباد، با انسان‌های قوی، مستحکم، تسلیم‌ناپذیر در مقابل دشمن، بی‌نیاز از لئام خلق خدا و دشمنان جامعه شده و نام نیکی برای کشور و جامعه پدید می‌آورد و در آخرت موجب ثواب الهی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۲/۱۰).

از دیدگاه معظم‌له، عامل تحقق اتقان عمل در جامعه را عاملی فرهنگی دانسته و معتقدند آنچه که موجب می‌گردد همه قشرهای اداری و کارگر جامعه دارای وجدان کاری شوند و کار را عبادت

دانسته و آن را متقن انجام دهند، ارتقای فرهنگ و معلومات عمومی نسبت به کار و وجدان کاری است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۰۹/۱۹).

ایشان جهت تحقق فرهنگ اتقان عمل در جامعه وظایف زیر را برای مسئولان برمی‌شمارند:
 الف- انجام مستحکم و متقن کارهای خود و زیرمجموعه خود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۰/۱۲)؛
 ب- القاء معرفت محکم‌کاری به‌عنوان با ارزش‌ترین معرفت در جامعه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۰۲/۲۲)؛
 پ- آموزش مهارت‌های لازم برای انجام عمل متقن به جامعه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۲/۰۷)؛
 ت- تدوین و اجرای برنامه‌های لازم برای تحقق وجدان کاری و انضباط اجتماعی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۲/۱۳)؛

۴- اصل اعتدال و عدم اسراف و تقتیر: آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که اسلام طرفدار راه وسط و میانه‌روی است و میانه‌روی به معنای حرکت در راه مستقیم بدون انحراف به چپ یا راست می‌باشد و میانه‌روی از دیدگاه اسلام، در مقابل تندروی یا کندروی نیست، بلکه در مقابل انحراف است و در راه مستقیم تند رفتن نه تنها اشکالی ندارد؛ بلکه مصداق سبقت در خیرات می‌باشد که در قرآن کریم به آن امر شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۱۲/۰۵). از دیدگاه ایشان واژه اعتدال از ریشه عدل و عدل از نظر لغوی به معنای میانه می‌باشد و میانه به معنای قرار دادن هرچیز در جای خود بدون افراط و تفریط و بدون راست روی و چپ روی است. ایشان معتقدند رعایت اعتدال در همه کارها برای انسان و حکومت و حتی در برابر دشمن امری لازم می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۸/۲۰). دانشجویان را به رعایت اعتدال در نقد و مطالبه‌گری و دوری از افراط و تفریط توصیه می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۰۴)، به مبلغان توصیه می‌کنند که در منبرهای خود در طرح مسائل اخلاقی و سیاسی افراط و تفریط نکنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۰۱/۰۴)، طلاب جوان انقلابی را از افراط و تفریط در انقلابی‌گری نهی می‌نمایند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۲۹)، به زنان توصیه می‌کنند که در فعالیت‌های اجتماعی افراط و تفریط نکنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)، به فقیهان توصیه می‌نمایند در فهم و تطبیق اصل کلی نقش زمان و مکان در اجتهاد افراط و تفریط نکنند (خامنه‌ای، پیام، ۱۳۷۴/۱۲/۲۴) و به دولت توصیه می‌کنند که در تصمیمات کلان از افراط و تفریط اجتناب نمایند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹).

معظم‌له در خصوص اعتدال در رفتارهای اقتصادی به دو آیه تمسک فرموده‌اند:

الف- «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (إسراء، ۲۹). ترجمه: «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی!»

ب- «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، ۶۷). ترجمه: «و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.»

از دیدگاه ایشان این آیات بر این مطلب دلالت دارند که انسان در امور مادی و مالی و اقتصادی، باید نه مشت بسته داشته باشد، نه ولخرجی کند و باید در همه این کارها میانه‌رو باشد و از افراط و تفریط بپرهیزد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۶).

ایشان با استناد به این دو آیه می‌فرمایند که میانه‌روی در انفاق در راه خدا و اجتناب از اسراف و سخت‌گیری در خرج کردن باید به صورت یک فرهنگ ملی درآید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۰۷/۲۱). اسراف در امور اقتصادی به معنای مصرف مال بدون کارایی و هدر دادن مال (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱) جلوه بارز خروج از اعتدال در رفتارهای اقتصادی است که به دلیل اهمیت بسیار زیاد آن، آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات متعددی در سال‌های متوالی به آن پرداخته و لزوم مبارزه با آن و راه‌های آن را بیان فرموده‌اند. از دیدگاه ایشان اسراف در مصرف یک حرام شرعی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۰۱/۰۱)، عیب ملی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۰۷/۲۱)، بیماری اجتماعی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸) و لنجنرار و وسوسه شیطانی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۰۱/۰۳) دانسته و به شدت از کسانی که تلاش می‌کنند تجمل‌گرایی، اسراف و ولخرجی را در بین مردم شایع کنند، ابراز نگرانی کرده و میانه روی برای متمکنان و قناعت برای قشرهای متوسط را فریضه‌ای انقلابی و اسلامی اعلام می‌فرمایند (خامنه‌ای، پیام، ۱۳۶۸/۰۹/۰۲). از دیدگاه ایشان اسراف در سه سطح فردی، ملی و سازمانی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱) رخ می‌دهد و در هر سه سطح حرام است که البته پرداختن به همه این موارد از حوصله این بحث خارج است.

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که برای مبارزه با اسراف باید هم فرهنگ‌سازی کرد و هم اقدام عملی انجام داد. اقدام عملی آن است که دولت به عنوان یک مصرف‌کننده بزرگ از اسراف اجتناب کند. و برای آنکه اجتناب از اسراف به صورت یک فرهنگ در جامعه درآید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲) باید مسئولان، مدیران کشور، نزدیکان و وابستگان آن‌ها که رفتارهایشان در فرهنگ و رفتارهای مردم تأثیرگذار است، در زندگی خود اسراف نکنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶) و دستگاه‌های مسئول بخش‌های مختلف دولتی، به ویژه دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی و به خصوص صداوسیما باید مردم را به سمت دوری از اسراف، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق دهند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵). ایشان همچنین راه و کلید فرهنگ‌سازی را آموزش و پرورش ذکر کرده و معتقدند برای تربیت نسلی دارای

اعتماد به نفس، انضباط اجتماعی، با کفایت و ابتکار و نسلی مهربان، فداکار، پُرکار و بدون اسراف باید آموزش و پرورش مهیا و مناسب باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۲/۱۲).

۵- اصل انفاق مال: انفاق مالی به معنای خرج کردن درآمد مازاد احتیاج خود، در راه خدا و هدف‌ها و آرمان‌های الهی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴) و به معنای کمک متمکنان به مخارج و مصارف عمومی در حد امکان است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۸/۲۹). در اسلام انفاق مال یک اصل است. براساس این اصل در اسلام کسب مال از راه حلال منع نشده، ولی باید مازاد بر احتیاج در حد تأمین رفاه و آسایش زندگی، انفاق شود؛ یعنی در راه خدا و اهداف و آرمان‌های الهی که مصالح عمومی جامعه را نیز شامل است، صرف شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۸/۲۹).

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که روح انفاق و نیکوکاری باید در جامعه ایجاد، گسترش و عمومیت پیدا کند و به صورت یک فرهنگ عمومی درآید و جزء ایمان مردم گردد و هر فرد واقعاً در اموال خود حقی برای محرومان قائل شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲). ایشان از آیه شریفه ۱۹۵ سوره بقره «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و جوب انفاق در راه خدا را استفاده می‌کنند و معتقدند در مواردی که جامعه اسلامی با مشکل مواجه می‌شود و نیازمند کمک است، انفاق در راه خدا یک حکم اخلاقی نیست، بلکه یک وظیفه، تکلیف و فریضه شرعی می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۷/۲۴).

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای انفاق مال در راه خدا باید دارای چند ویژگی باشد: ۱- از بهترین اموال (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۸/۲۹) ۲- بدون ریا و آشکار (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۸/۲۹) ۳- بدون افراط و تفریط (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۰۷/۲۱).

انفاق در نگاه ایشان دارای اثر برای انفاق‌کننده و انفاق‌شونده است. از جمله آثار انفاق برای انفاق‌کننده قرب خداوند متعال (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۴۷)، قدرت دل‌کندن از مالی که به او تعلق دارد، رسیدن به فلاح و رستگاری (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱)، موجب تکامل انسان و رسیدن به مقامات بالای معنوی برای انسان مؤمن (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۱۷) می‌باشد. برای انفاق‌شونده نیز در صورت تحقق سایر عوامل مؤثر در پُر کردن خلأها خواهد داشت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴).

آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین آثار منفی عدم انفاق به روایتی از رسول خدا (ص) استناد می‌کنند که آن حضرت وقتی مشاهده کردند در شرایطی که مردم به خرما نیازمند بودند؛ بلال مقدار خرمایی را احتیاطاً برای پذیرایی از میهمانان پیامبر (ص) ذخیره نموده است، فرمودند: «اما تخشی ان تکون لك دخان فی نار جهنم»؛ نمی‌ترسی که این خرمایی که اینجا جمع کردی، این دودی شود برای تو

در آتش جهنم. بعد فرمود: «انفق یا بلال»؛ انفاق کن. «و لا تخش من ذی العرش اقلالا»؛ از خدای متعال ترس کم و کسری نداشته باش، خدا خواهد رساند. عین همین تعبیر در نامه امام رضا علیه‌السلام به پسرشان امام جواد علیه‌السلام نیز آمده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۸/۲۹). یکی دیگر از آثار عدم انفاق، مبتلا شدن انسان به نفاق می‌باشد. معظم‌له با استناد به آیه ۷۶ و ۷۷ سوره مبارکه توبه این اثر را اثبات می‌کنند (خامنه‌ای، درس خارج، ۱۳۸۳/۱۲/۱۱): «و مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ نَأْتِيَنَّ مِنْ فَضْلِهِ لِنَصَّدَقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا آتَتْهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ. فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» «بعضی از آن‌ها با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد؛ و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود!» اما هنگامی که خدا از فضل خود به آن‌ها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند! این عمل، (روح) نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دل‌هایشان برقرار ساخت. این به‌خاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند؛ و به‌خاطر آن است که دروغ می‌گفتند.»

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان نکات زیر را نتیجه گرفت:

۱. هدف غایی نظام اقتصادی اسلام، عدالت اجتماعی به‌معنای «قرار دادن هر چیز در جای خود و دادن حق هر کس به آن و عدم تبعیض در حقوق و روابط اقتصاد» است.
 ۲. آیت‌الله خامنه‌ای برای دستیابی به هدف مذکور، چند هدف میانی برای نظام اقتصادی مشخص کرده‌اند. این اهداف عبارتند از: پیشرفت اقتصادی، قدرت اقتصادی، افزایش ثروت ملی و رشد اقتصادی، رفاه، امنیت اقتصادی و استقلال اقتصادی.
 ۳. از منظر معظم‌له، اصول ساختاری نظام اقتصادی اسلام شامل: «اصل مردم‌سالاری اسلام»، «اصل دولت خدمت‌گذار»، «اصل آزادی اقتصادی»، «اصل مالکیت»، «اصل چگونگی تعیین ارزش معاملی اشیاء»، «اصل کار منشأ درآمد» می‌باشد.
- در نگاه ایشان اصول رفتاری نظام اقتصادی اسلام عبارتند از: «اصل انصاف»، «اصل رقابت مثبت»، «اصل اتقان عمل»، «اصل اعتدال و عدم اسراف و تقتیر»، «اصل انفاق مال».

منابع

۱. اصغری، محمود (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی؛ چپستی، چرایی، مبانی، مؤلفه‌ها، اهداف و راهبردها در کلام مقام معظم رهبری. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. سال بیست و یکم. شماره اول. ۱۰۴.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱). تفسیر سوره بقره. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۲). تفسیر سوره منافقون. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۴. خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲). منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای: نظام بینشی، منشی و کنشی (دو جلدی). سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ دهم.
۵. شیخ‌زاده، محمد؛ عابدی‌جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید و فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی. شماره ۱۰: ۱۵۱-۱۹۸.
۶. صادقی‌نیارکی، مهدی (۱۳۹۸). ارکان جهت‌ساز بخش خصوصی از منظر مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (دکترین، اهداف و سیاست‌ها). فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی. سال نهم. شماره ۳۷.
۷. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۷۵). اقتصادنا. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. غفاری، مجتبی (۱۳۹۸). کارکردهای مبانی هستی‌شناسی تعیین اهداف پیشرفت اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی. سال نوزدهم. شماره ۷۶.
۹. مخبر دزفولی، محمدرضا (۱۳۹۳). اندیشه‌های اقتصادی مقام معظم رهبری. انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۰. مرتضی‌رخیده دخت و همکاران (۱۴۰۱). تحلیل اهداف اقتصادی در اندیشه مقام معظم رهبری با تأکید بر مفاهیم قرآنی. فصلنامه قرآن و طب. دوره ۷. شماره ۵.
۱۱. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). دائرةالمعارف فقه مقارن. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه‌السلام.
۱۲. موسویان، سیدعباس و غفورزاده، حسین (۱۴۰۲). اکتشاف و طراحی نظام اقتصادی اسلام با تأکید ویژه بر دیدگاه مقام معظم رهبری در نظام‌سازی اسلامی. آئین حکمرانی. سال اول. شماره دوم.
۱۳. الموسوی الخمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). کتاب‌البیع، ج ۱. ص ۲۵.
۱۴. هاشمی‌شاهرودی، محمود (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.

15. Given, L.M. (Ed.) (2008). The Sage Encyclopedia of Qualopedia Research Methods. Vols.1&2. California: Sage.

16. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. Qualitative research in psychology, 3(2), 77-101